info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۱۷۵۷
شنبه ۶/ دی/ ۱۳۹۹
۱۱ / جمادی الاول/ ۱۴۴۲
26 / December / 2020

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۲۳۲۳-۳۲۵۳۲۸۳۸-۰۲۶ فکس ۳۲۵۵۳۸۳۸
فکس اینترنتی پیام آشنا: ۰۲۱-۸۹۷۶۶۷۲۹
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۴۲/۴۶
چاپ: کارگر

کافه پیام

برای انعکاس نظرات و گلایه ها و پیشنهادات خود درباره مسائل البرز با پیام آشنا تماس بگیرید

۳۲۵۵۳۸۳۸
۳۲۵۴۱۴۹۵
۰۹۰۱۴۰۴۸۳۳۳

با شعرای کرج

شفای هر غم

تاب گیسویت، شفای هر غم است
هجر تو والله، درد و ماتم است

هر چه زیبابیست، در چشمان توست
سر به پایت گر نهد، عاشق کم است

بهروز قاسمی(رها)

یادداشت

دانایی و توانایی بدون تظاهر و به رخ کشیدن

در باره بهرام بیضایی بسیار گفته و نوشته شده است. آنقدر که به نظر می‌رسد حرفی برای گفتن نمانده و همگان همه چیز را درباره او می‌دانند. بر این اساس در این مجال اندک به نکاتی اشاره می‌کنم که شاید کمتر به آن پرداخته شده است. در مجموعه آثار بیضایی چند حس حضور مدام دارد. اولین آن ترس و بیگانگی است. از اولین فیلم بیضایی یعنی «مرگ‌بار» با آدم‌هایی مواجه هستیم که از چیزی در هراس و اضطرابند. به‌عنوان نمونه در «شاید وقتی دیگر» همه تلفن‌ها چه خانگی و چه عمومی سیم‌برنگ است و به‌عنوان عنصر ایجادکننده اضطراب بر آن تأکید شده است. بیضایی همچنین جذابترین و تأثیرگذارترین فیلمنامه درباره تاریخ تشیع یعنی «روز واقعه» را نوشته است. هر کس این حرف را قبول ندارد مثال دیگری بیاورد تا ببینیم حق با کیست. او به‌عنوان یک انسان فارغ از هر گونه گرایش ایدئولوژیک تاریخ ایران و فرهنگ ایران را دوست دارد و فیلمنامه‌های بسیاری درباره گذشته این سرزمین نوشته بدون این که مجذوب گذشته باشد. اغلب نقدگونه‌هایی است بر آنچه پشت سر گذاشته‌ایم. در گفت‌وگویی که با او داشتم در پاسخ به چرایی تعلق خاطر به گذشته توضیح داد که نه تنها علاقه‌ای به گذشته ندارد بلکه بیزار از تاریخ پر از خشونت است و هدفش تأکید بر این باور است که گذشته چراغ راه آینده است و باید از تاریخ عبرت گرفت. دیگر مؤلفه تکرارشونده در آثار او بیگانگی است. تمام شخصیت‌های آثار او از جمله «هاشو غریبه کوچک» احساس تنهایی و غربت می‌کنند. پسرک مسافر «سفر» از شاهکارهای فیلم کوتاه در تاریخ سینمای ایران، دنبال مادری می‌گردد که هیچ تصویر ذهنی از او ندارد. او مادر نمی‌خواهد بلکه به‌دنبال پناهگاهی است تا از این بیگانگی و تنهایی و سرگردانی نجاتش دهد.

نکته مهم بعدی که می‌خواهم اشاره‌ای به آن داشته باشم نوع برخورد با به‌عنوان مخاطب یا منتقد با بهرام بیضایی است. دوستی از همکاران بیضایی ادعا می‌کرد که او کاری نکرده جز بازی با کلمات. از او درخواست کردم فقط از «دیباچه نوین شاهنامه» بهرام بیضایی روخوانی کند و ببیند چطور در یک پاراگراف این همه موضوع و مضمون با واژگان درجه یک کنار هم قرار گرفته و داستان را ادامه داده بدون این که سرنخ از دستش برود یا صرفاً مجذوب کلام شود. متأسفانه مخالفت با بیضایی از روی حقد و حسد است. انتخاب موضوع‌هایی که هر کدام به نوعی با شرایط اجتماعی ما همخوان است کار هر کسی نیست. در همان فیلم اول «مرگ‌بار» یک معلم به منطقه‌ای که فضای لمپنیزم بر آن حاکم است مثل رگبار می‌بارد و طراوت را به فضای مرده این منطقه می‌آورد. او به‌عنوان چهره فرهنگی باید با قصاب محله که رقیب عشقی‌اش است مبارزه کند. این فیلم از نظر پرداخت خیلی هم‌قوی نیست. چون اولین فیلم بلند اوست و در شرایط بد اقتصادی ساخته شد. جالب این که محمدعلی فردین بدون شناخت از نگاه بیضایی صرفاً به منظور حمایت از یک فیلمساز جوان مشکل مالی فیلم را برطرف کرد. در دیگر فیلم‌های بیضایی هم از جمله «غریبه و مه» غریبه‌ای می‌آید و در دهکده و منطقه‌ای که روح زنده ندارد و همه دچار دلمردگی هستند تلاطمی عاطفی ایجاد می‌کند. البته اگر قرار باشد بنابر سلیقه شخصی بهترین فیلم‌های بیضایی را انتخاب کنم اولین انتخابم «چریکه تارا» است که از نظر پرداخت و ساخت و حتی بازیگری بی‌نظیر است. «شاید وقتی دیگر» و «مسافران» دیگر فیلم‌های درخشانی هستند که در صدر این فهرست قرار می‌گیرد و البته در فراز همه اینها فیلم کوتاه «سفر» قرار دارد. اگر می‌خواهید سینما، تاریخ، میزانسن و هر آنچه باید از نوع شرقی‌اش بیاموزید حتماً این فیلم‌ها را ببینید. بر دانشجویان سینما واجب است آثار او را ببینند تا بدانند فردی به‌نام بهرام بیضایی بدون تظاهر و به رخ کشیدن آن، صاحب چه میزان دانایی و توانایی بوده است.

احمد طالبی نژاد
منتقد سینما

گزارش

سال دشوار میلادی جان کدام هنرمندان را گرفت؟

به گزارش پیام آشنا به نقل از دنیای اقتصاد، سال ۲۰۲۰ با توجه به شیوع بیماری مسری کرونا برای همه ساکنان کره خاکی سال تلخی بود. سالی که در آن تقریباً همه اجتماعات انسانی لغو شد، مهمانی‌ها محدود شد، سینماها، تئاترها، کنسرت‌ها و سیزری دیگر از رویدادهایی که با حضور جمعی انسان‌ها معنا پیدا می‌کرد، تقریباً در همه جای جهان تعطیل شدند. اما این همه ماجرا نبود. امسال نیز به روال همه سال‌های پیش، گروهی از برجسته‌ترین چهره‌های هنر و ادبیات جهان که سال‌ها برای دوستداران این عرصه خاطره ساختند، از جهان رفتند تا تلخی سال ۲۰۲۰ دوچندان شود. در ایران نیز چهره‌های مطرح بسیاری درگذشتند که تاریخ میلادی مرگشان در سال ۲۰۲۰ ثبت شده است. از محمدرضا شجریان تا محمدعلی کشاورز، از نجف دریابندری تا سیروس گرجستانی، از خسرو سینایی تا اکبر عالمی و کامبیز را پرتوی و بسیاری بزرگان دیگر.

اما در کنار این هنرمندان ایرانی، بسیاری از هنرمندان مطرح هنر جهان نیز دنیا را ترک کردند. قیو موریکونه، کرک داگلاس، جان لوکاره و شون کانری هنرمندان بی‌نظیر جهان سینما، موسیقی و کتاب، از جمله فرنگان این سال هستند.

سینماگران معروف

چادویک بوزمن، ستاره هالیوودی سینمای جهان از جوانانی بود که سال ۲۰۲۰ از دنیا رفت. او را بیش از همه برای بازی در نقش نخستین ابرقهرمان سیاه‌پوست سینما در فیلم «پلنگ سیاه» به خاطر می‌آوریم. بوزمن از چند سال پیش به بیماری سرطان روده دچار شده بود و تابستان گذشته از دنیا رفت. او هنگام مرگ ۴۴ سال داشت. او برای آخرین بار در فیلم «پلک‌باتم ماریتی» جلوی دوربین رفت تا در یک بازی درخشان بار دیگر تاریخ تلخ سیاه‌پوستان در آمریکا را به تصویر بکشد. فیلم آخر او بار هاز سوی اشخاص و انجمن‌های گوناگون در فهرست برترین فیلم‌های سال قرار گرفته است.

در سال کرونا برادوی هم ستاره‌ای جوان را از دست داد. نیک کوردرو بازیگر جوان و ستاره تئاترهای برادوی برنده جایزه تونی بود. بازیگر سریال «خلم و قانون» از قربانیان کرونا بود و سه ماه پس از مبتلا شدن به «کووید-۱۹» در ۴۱ سالگی از دنیا رفت.

عرفان خان ستاره بالیوود هم بهار گذشته در ۵۳ سالگی از دنیا رفت. او که دو سال پیش از مرگ به یک نوع تاندر از سرطان مبتلا شده بود، به باور بسیاری بهترین بازیگر سینمای هندوستان بود و همواره برای بازی‌های پیچیده و ظریفش در سینما ستوده می‌شد. ستاره «سلامبیمبئی» و «میلیونر زاغه‌نشین» در فیلم «دنیای ژوراسیک» هم جلوی دوربین رفته بود. در این سال تلخ، شون کانری، ستاره برتانیایی سینمای جهان در ۹۰ سالگی از دنیا رفت. نخستین بازیگری که نقش جیمز باند را بازی کرد و با هفت بار تکرار این نقش، به ستاره‌ای جهانی تبدیل شد. کانری را بهترین بازیگر نقش جیمز باند می‌دانند و بارها در نظرسنجی‌های گوناگون، این عنوان را از آن خود کرده است.

نام‌های بزرگی که از دست رفتند، بسیارند. اما مشهورترین آنها همان اوایل سال جدید میلادی جهان سینما را در غم فرو برد. کرک داگلاس، بازیگر اسطوره‌ای هالیوود و ستاره فیلم‌های «سپارتاکوس» و «راه‌های افتخار» زمستان پیشین در ۱۰۳ سالگی چشم از جهان فروبست. بازیگر «سپارتاکوس» سال ۱۹۱۶ در میانه جنگ جهانی اول به دنیا آمد، در تا جهانی دوم شرکت داشت و به یکی از ستاره‌های بی‌بدیل سینما تبدیل شد. به فاصله چند ماه پس از مرگ کرک داگلاس، نوبت به یکی دیگر از ستاره‌های دوران طلایی هالیوود رسید. لوئیوا دی‌هاویلند، همانند داگلاس سال ۱۹۱۶ به دنیا آمده بود و همانند او در سال ۲۰۲۰ از دنیا رفت. این بازیگر برنده ۲ جایزه اسکار بازی در کلاسیک‌های مادگذاری چون «هربد رفته» و «رویای نیمه‌شب تابستان» را در کارنامه داشت.

موزسیین‌های نامدار

از سینما به دنیای موسیقی قدم می‌گذاریم و در آغاز سراغ مردی می‌رویم که در هر دو جهان سینما و موسیقی مشهور است. آلیو موریکونه مردی که با نت‌های موسیقی جادو می‌کرد. در روزهای داغ تیر ماه از دنیا رفت. اگر چه او را با آهنگ‌های بی‌نظیری که برای وسترن‌های مشهور به یاد می‌آوریم اما دیگر شاهکارهایش چون موسیقی متن فیلم «سینما پارادیزو» را نمی‌توان نادیده گرفت. آدام شلسینگر دیگر آهنگساز نامدار سینما نیز در سال ۲۰۲۰ با ابتلا به کرونا جان باخت. او برای موسیقی متن فیلم «آن کاری که می‌کنی» به کارگردانی تام هنکس نامزد دریافت جایزه اسکار شده بود. در دنیای موسیقی راک اندی وزهیلن نامی آشنا است و از او با عنوان یکی از تاثیرگذارترین نوازندگان گیتار در تمام ادوار نام می‌برند. وزهیلن که چند ماه پیش در ۶۵ سالگی درگذشت، از سال ۱۹۶۹ درگیر بیماری سرطان بود. نمی‌توان از چهره‌های تاثیرگذار بر موسیقی نام برد و از نام اینتل ریچارد خواننده وآکسن کوییدو غافل شد. او که بهار امسال در ۸۲ سالگی از دنیا رفت، یکی از معماران حقیقی نه تنها ژانر راک اند رول، بلکه آر اند بی، سول، هیپ‌هاپ و شماری از ژانرهای دیگر بود. باب دیلن در آرزوی پایان سال تلخ خود نوشته بود که هدفش اینتل ریچارد شدن است! یکی از قربانیان مشهور کرونا در دنیای موسیقی جان پراین یا به توصیف رولینگ‌استونز، «هارک تواین ترانه‌سرایان آمریکا» بود. او منبع الهام بسیاری از بزرگان موسیقی آمریکا از جمله جانی کش و باب دیلن بود. او پیش از اینکه بر اثر کرونا از دنیا برود، دو بار بیماری سرطان را شکست داده بود.

نویسندگان بزرگ

در سال ۲۰۲۰ از دسته هنرمندانی که قلم به دست می‌گیرند و داستان می‌نویسند هم تعدادی کم شد. مری هیگینز کلارک از این دسته بود. ملکه تعلیق و خالق داستان‌های پرفروشی چون «بیگانه‌ای می‌نگرد» اوایل سال جاری میلادی از دنیا رفت. او از مشهورترین زنان نویسنده و آثارش همیشه در ردیف پرفروش‌های بازار بود.

به پایان سال ۲۰۲۰ هم که نزدیک شدیم، جان لوکاره در ۸۹ سالگی درگذشت. به این ترتیب دنیای کتاب مشهورترین نویسنده کتاب‌های ژانر تریلر و جاسوسی را از دست داد. او خالق رمان‌های پرفروشی چون «پیلمور، خیاط، سرباز، جاسوس»، «جاسوسی که از سردسیر آمده» و «همدرس شب» بود. گراهام گرین در توصیف «جاسوسی که از سردسیر آمده» گفته بود: «بهترین داستانی است که در عمرم خوانده‌ام» لوکاره فقط خالق داستان‌های جاسوسی نبود. او سال‌ها در این قضا نفس کشیده و کار کرده بود. او که سال ۱۹۳۱ در انگلستان به دنیا آمده بود، مدت‌ها در سرویس‌های اطلاعاتی این کشور مشغول به کار بود.

خبر

میلیاردرهای برنده ۲۰۲۰

بخش نخست

سال ۲۰۲۰ برای همه ما سال خیلی سختی بود. ویروس کرونا جان بیش از ۱/۶ میلیون نفر را در سراسر دنیا گرفت و باعث تعطیلی‌هایی شد که رکود اقتصادی و بیکاری تعداد زیادی از مردم را به‌دنبال داشت. اما میلیاردرهای دنیا با عملکرد خوبی این سال را پشت‌سر گذاشتند.

بیش از ۶۰ درصد ۲۲۰۰ فرد میلیاردر دنیا، در سال ۲۰۲۰ ثروتمندتر شدند و فقط ۳۶درصد آنها از ثروتشان کم شد. ۵ میلیاردر اول دنیا به‌تنهایی مجموعاً ۳۱۰/۵میلیارد دلار ثروتمندتر شدند.

مجله فوربس ثروت ۲۲۰۰ میلیاردر دنیا را از دسامبر ۲۰۱۹ تا دسامبر ۲۰۲۰ بررسی کرده و برندگان و بازندگان را مورد توجه قرار داده که در این بخش برندگان و هفته آینده، بازندگان را بررسی می‌کنیم.

ایلان ماسک

* کشور: آمریکا
* افزایش ثروت: ۱۱۰/۳ میلیارد دلار
* ثروت خالص: ۱۳۶/۹ میلیارد دلار

سال ۲۰۲۰ برای هیچ‌کدام از میلیاردرهای دنیا به اندازه ایلان ماسک خوب نبود و او بیشترین افزایش ثروت در طول یک سال را از زمانی که مجله فوربس میلیاردرهای دنیا را رتبه‌بندی و بررسی می‌کند، ثبت کرد. مدیرعامل شرکت تسلا سال ۲۰۲۰ را با ثروت خالص ۲۶/۶ میلیارد دلار آغاز کرد. پس از آن، شرکت خودروی برقی او به‌طور مداوم رکورد انتظارات تحلیلگران را در مورد عرضه خودروها شکست و سرمایه‌گذاران را با تکنولوژی همواره درحال رشد، هیجان‌زده کرد. ارزش سهام تسلا در یک دوره یک ساله، بیش از هفت‌برابر افزایش یافت و ثروت ماسک را به ۱۳۶/۹ میلیارد دلار رساند و او را به سومین فرد ثروتمند روی کره زمین تبدیل کرد.

جف بزوس

* کشور: آمریکا
* افزایش ثروت: ۶۷/۵ میلیارد دلار
* ثروت خالص: ۱۸۲/۲ میلیارد دلار

جف بزوس در طول یک سال، ۶۷/۵ میلیارد دلار ثروت بیشتری به‌دست آورد و کل ثروت خالص او به ۱۸۲/۲ میلیارد دلار رسید. دلیل آن هم قرنطینه‌های خانگی و روی آوردن بیشتر مردم به خرید اینترنتی کالاهای ضروری در دوران پاندمی بود که قیمت سهام آمازون را به میزان قابل‌توجهی افزایش داد. در ماه اوت، بزوس به اولین فرد تبدیل شد که ثروتش به بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار رسیده است. درست است که سهام آمازون از این تاریخ به بعد، حدود ۱۰ درصد کاهش ارزش پیدا کرده، اما همچنان ۶۹ درصد بالاتر از سال گذشته است و خیلی بیشتر از میانگین شاخص S&P ۵۰۰ و داوجونز است.

ژونگ شانشان

* کشور: چین
* افزایش ثروت: ۶۰/۵ میلیارد دلار
* ثروت خالص: ۶۲/۵ میلیارد دلار

ژونگ به کمک دو عرضه اولیه بسیار موفق در سال ۲۰۲۰ توانست جهشی موشکی در رتبه‌بندی میلیاردرهای دنیا داشته باشد. او شرکت «نانگفوا-سپرینگ» (Nongfu Spring) را بنیان‌گذاری کرده و ریاست آن را بر عهده گرفته است؛ یک شرکت آب‌معدنی که ظاهراً حدود یک‌پنجم بازار آب معدنی چین را تامین می‌کند. ژونگ، همچنین بر شرکت داروسازی وُلتای که تولید واکسن را در دستور کار دارد و در ماه آوریل سهام آن عرضه شده، نظارت دارد. این شرکت نوعی واکسن کووید که در بینی اسپری می‌شود تولید کرده که ماه نوامبر، در فاز دوم آزمایش بود.

دان گیلبرت

* کشور: آمریکا
* افزایش ثروت: ۳۷/۱ میلیارد دلار
* ثروت خالص: ۴۳/۹ میلیارد دلار

گیلبرت که از بنیان‌گذاران شرکت «کوییکن لونز» (Quicken Loans)، وام‌دهنده آنلاین است، امسال از یک عرضه اولیه موفق بهره برد. سهام راکت کامپنیز که شرکت مادر کوییکن لونز است، در ماه اوت عرضه شد. گیلبرت ۹۵ درصد سهام راکت را در اختیار دارد که ارزش آن در ابتدای ماه دسامبر، بیش از ۴۱ میلیارد دلار بود. در نتیجه، ثروت گیلبرت در مقایسه با ابتدای سال ۲۰۲۰ بیش از ۶برابر شد. گیلبرت با در اختیار داشتن بیشتر سهام باشگاه «کاولند کاولیرز» NBA یکی از ثروتمندترین صاحبان باشگاه‌ورزشی در آمریکا محسوب می‌شود.

برنارد آرنالت

* کشور: فرانسه
* افزایش ثروت: ۳۵ میلیارد دلار
* ثروت خالص: ۱۴۶/۳ میلیارد دلار

ثروت برنارد آرنالت، رئیس مجتمع تولیدی کالاهای لوکس LVMH، امسال با افزایش بیش از ۳۰ درصدی مواجه شد و ۳۵ میلیارد دلار به ثروت او اضافه شد. شرکت LVMH در شروع پاندمی، با لغزش در بازار مواجه شد و فروشش کاهش یافت. اما کمی بعد دوباره رونق گرفت. با اینکه فروش کالاهای لوکس امسال به‌طور کلی کاهش پیدا کرده، اما LVMH با اعلام فروش بالای دو برند معروف دیور و لویی‌ویتان، به‌ویژه در کشورهای کره‌جنوبی و چین که پاندمی را به خوبی کنترل کرده‌اند، در پاییز امسال، سرمایه‌گذاران را شگفت‌زده کرد و جایگاه آرنالت به‌عنوان دومین فرد ثروتمند دنیا، محکم‌ترشد.

مترجم: مریم رضایی

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۵:۳۹	۰۷:۱۱	۱۲:۰۳	۱۶:۵۵	۱۷:۱۴

خواندنی

ماه شهر آشوب من، هر گه برآهی بگذرد
شهر پر غوغا شود، چونان که ماهی بگذرد

هلالی جغتایی

برگه

حیات آدمی در دنیا همچون حبابی است در سطح دریا.

جان راسکن

پرده جراید

نمایشنامه‌نویس مغرور روسی

اعتماد: محمود فاضلی- یکی از مهم‌ترین تحولات سیاست خارجی ایران با روسیه، بعد از دوره دوم جنگ‌های ایران و روس و امضای قرارداد ترکمنچای، در زمان سلطنت فتحعلی‌شاه و دوره دوم صدارت عبدالله‌خان امین‌الدوله، سفر الکساندر گریبایدوف به عنوان سفیر روسیه به ایران و قتل او در تهران است. او که در زمینه‌های ادبی و هنری فعالیت‌های چشمگیری داشت و به زبان‌های فرانسوی، آلمانی، ایتالیایی و انگلیسی کاملا مسلط بود، روحیاتش چندان با نظامی‌گری سازگاری نداشت. به واسطه جنگ میان روسیه و ارتش ناپلئون بناپارت فرانسوی از ادامه تحصیل بازماند و مجبور شد به ارتش پیوسته و به جنگ با فرانسویان بپردازد. در سال ۱۸۱۷ در سلک کارمندان وزارت خارجه درآمد و سپس به سمت منشی هیات نمایندگی سیاسی مامور ایران برگزیده شد.

گریبایدوف قبلا در سال ۱۸۱۹ مامور بازگرداندن ۱۵۸ نفر از اسرا و فراریان روسیه از ایران شده بود که بار دیگر با داشتن مقام بالاتری به این کشور آمده، سعی داشت بار دیگر باقیمانده مهاجرین، فراریان و اسرا را به روسیه بازگرداند. گریبایدوف در سوم فوریه سال ۱۸۱۹ وارد ایران شد. در سپتامبر آن سال به همراهی عده‌ای از اتباع روسیه که از زمان جنگ اول ایران و روسیه در ایران مانده بودند به گرجستان بازگشت.

گریبایدوف، مجددا در اوایل فوریه سال ۱۸۲۰ به ایران سفر کرد و در بازگشت به تفلیس به عنوان کاردار هیات نمایندگی سیاسی روسیه انتخاب شد. پس از خاتمه این ماموریت و مراجعت به تفلیس، در فوریه ۱۸۲۳ به مسکو و سن پطرزبورگ بازگشت. در شانزدهم ژانویه ۱۸۲۶ جنگ دوم میان ایران و روسیه آغاز شد و گریبایدوف ماموریت یافت در ستاد فرماندهی قفقاز به سمت منشی ژنرال پاسکیویچ، فرمانده نیروهای روسیه، انجام وظیفه کند.

با خاتمه جنگ ایران و روسیه، معاهده ترکمانچای که متن روسی آن به قلم گریبایدوف بود، در حضور آصف‌الدوله و وزیر خارجه ایران به امضا رسید. به موجب فصل شانزدهم عهدنامه، او ماموریت یافت که عهدنامه را برای تصدیق امپراتور به سن پطرزبورگ ببرد که در آنجا ماموریت جدیدی که طرح آن از پیش آماده شده بود به او ابلاغ شد و آن چنین بود که ضمن انجام ماموریت برای اجرای مفاد توافق شده در عهدنامه، غرامت جنگی را نیز دریافت کند. او از قبول این ماموریت سخت بیمناک بود، او در ۲۰ دسامبر به سوی تهران حرکت کرد و در ۱۲ ژانویه ۱۸۲۹ اعتبار نامه خود را تسلیم فتحعلی‌شاه کرد. او بلافاصله پس از انجام تشریفات، رفتاری را پیش گرفت که نه تنها مأموران و درباریان، بلکه مردم را ناراضی می‌کرد. نمایشنامه‌نویس روس فردی مغرور و نزد ایرانیان منفور بود.

مسالهای که موجب قتل گریبایدوف شد و سرانجام نیز سبب بروز غائله عوام تهران شد، موضوع زنان ارمنی و گرجی بود که مسلمان شده و به حکم شرع اسلام در خانه بعضی رجال ایرانی به سر می‌بردند و گریبایدوف به عنوان اینکه ایسرا روسی هستند به استناد مفاد ماده سیزدهم عهدنامه ترکمانچای، با همراهی و هدایت «آقابعقوب ارمنی»، یکی از خواجه‌سرایان فتحعلی‌شاه که خانواده‌های ایرانی را خوب می‌شناخت به تفتیش خانه رجال و مطالبه زنان گرجی و ارمنی (به‌ویژه زنان خانه آصف‌الدوله) پرداخت. گریبایدوف با اطلاعاتی که میرزا یعقوب ارمنی از حرمسرا و زنان گرجی داده، استرداد زنان گرجی و ارمنی را پیگیری می‌کرد. او دستور داد به زور وارد خانه آصف‌الدوله، برادر زن فتحعلی‌شاه و دایی عباس میرزا شده و دو زن گرجی را که مدت‌ها به قید زناشویی در ایران به سر می‌بردند به سفارت ببرند.

این رفتار که مخالف سنن و رسوم ایرانیان و بر خلاف قوانین شرع اسلام بود، موجب تحریک احساسات عمومی شد و مردم تهران به رهبری میرزا مسیح مجتهد به سفارت روسیه حمله بردند و در زد و خوردی که میان آنها و اتباع سفارت روس روی داد کلیه اعضای هیات سفارت به‌جز دبیر اول سفارت بود، به قتل رسیدند. با اعزام «خسرومیرزا» فرزند عباس میرزا به مسکو و نامه‌ای از شاه قاجار مبنی بر عذرخواهی برای امپراتور، کار به مصالحه کشید و میرزا مسیح به تقاضای دولت روس به عتبات تبعید شد.

رابرت گرانت واتسن در کتاب «تاریخ قاجار» می‌نویسد: «وقتی خبر هیجان عمومی به دربار قاجار رسید، شاه به وزیر خارجه دستور داد از نماینده روس تقاضا کند اوضاع را به گونه‌ای ترتیب دهد که خشم مردم فروکش کند. گریبایدوف قبول کرد که در روز بعد ترتیب کار داده شود. ولی این تاخیر تاثیر شومی در سرنوشت او داشت زیرا یازده فوریه ۱۸۲۹ میلادی اهالی با خشم و هیجان به سمت اقامتگاه سفیر روس هجوم بردند تا به دست خود قانون را اجرا کنند و زنان مورد بحث را آزاد کرده و یعقوب‌خان خواجه را دستگیر کنند.»

ای. او. سیمونیچ (وزیرمختار بعد از گریبایدوف) در خاطراتش نوشت: «گریبایدوف خطای بزرگی مرتکب شد زیرا دستور داد زنان را به مقر خویش که سکته آن تمام مرد بودند بیاورند. تعصب مذهبی مردان تهران از یک سو و شرارتی که کارگزاران سفارت داشتند از طرف دیگر بر وخامت اوضاع افزود. به گفته مالتسوف دبیر اول و تنها بازمانده سفارت روسیه بود به دست یک پهلوان کشتی‌گیر با ضربات چاقو کشته شد. هنگام مرگ گریبایدوف صدای «الله اکبر» مردم خشمگین شنیده می‌شد. انتشار خبر مرگ او بار دیگر بیم را بر دل حکومت ایران انداخت. فتحعلی‌شاه به توصیه عباس میرزا نامه عذرخواهی را همراه جنازه گریبایدوف و هیاتی به سرپرستی خسرومیرزا با همراهی میرزا تقی‌خان فراهانی (امیرکبیر) به دربار تزار فرستاد. هیاتی که نه تنها توانستند تزار را راضی کنند که قتل گریبایدوف تقصیر ایرانی‌ها نبوده و او به خاطر اصرارش بر بازگرداندن زنان شوهردار، قربانی شده که توانستند بخش مهمی از غرامت جنگ را هم ببخشند.